



تولیت آستان قدس رضوی بیان کرد

## اهمیت ارائه معارف اهل بیت علیهم‌السلام

# به زبان روز و پاسخگویی به نیازهای امروز جهان

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی، تولیت آستان قدس رضوی و رئیس کنگره جهانی حضرت رضا علیه‌السلام پیرامون تبیین سیره رضوی داشته است که تقدیم حضور خوانندگان محترم افق حوزه می‌شود.

« رهبر انقلاب در دیدار اعضای هیئت علمی کنگره جهانی حضرت رضا علیه‌السلام، بر اهمیت شناخت درست از اهل‌بیت علیهم‌السلام تأکید داشتند.دامنه‌این شناخت چیست؟

● رهبر انقلاب اسلامی نسبت به سه بعد مقام معنوی و ملکوتی و عرشی، بعد اخلاقی و سبک زندگی و بعد مبارزاتی ائمه اطهار علیهم‌السلام در حوزه‌های سیاسی و مبارزه با ستمگران اشاره فرمودند. این سه بعدی را که رهبر انقلاب ترسیم کردند، به نظم در بیان شخصیت ائمه اطهار علیهم‌السلام و معرفی آنها در همه ابعاد و ساحت‌ها کامل و جامع است.

اگر بعد ملکوتی و الهی این بزرگواران را درست، عمیق و صحیح بشناسیم، برای استمرار آن دو بعد دیگر در جامعه، بسیار می‌تواند کمک‌کار باشد؛ اگر ما شخصیت ملکوتی و بعد الهی ائمه علیهم‌السلام را نشناسیم، آن بعد سبک زندگی و اخلاقی و بعد مبارزاتی‌شان هم نمی‌تواند، آن‌گونه که شایسته است، تأثیرگذار و نقش‌آفرین باشد. پس آن بعد اول، تقریباً بر آن دو بعد دیگر سایه می‌افکند. آن جنبه قداست ائمه علیهم‌السلام، جنبه ملکوتی آن‌ها که خوشبختانه در زیارت جامعه کبیره که از ناحیه امام هادی علیه‌السلام است و در سند آن هیچ شک و تردیدی وجود ندارد و زیارت مأثوره است، بیان شده است. این زیارت، زیارت بسیار مهمی است؛ به تعبیر امروزی، زیارت جامعه کبیره، مانیفست و بیانیه شیعه است. ما اگر می‌خواهیم، مقام و منزلت معنوی و الهی ائمه اطهار علیهم‌السلام را درک کنیم، زیارت جامعه کبیره آن را کاملاً برای ما بیان می‌کند؛ واسطه فیض بودن این‌ها، انسان کامل بودن اینها و اینکه فیوضات الهی و کمالات اینها توسط این انسان‌های کامل بر دیگر بندگان جاری می‌شود، یک بعد از ابعاد وجودی ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد که مهم‌ترین بعد است.

بعد دوم، بعد اخلاقی و معاشرتی ائمه اطهار علیهم‌السلام است؛ همه آن چیزی که یک انسان در زندگی اجتماعی و در روابط اجتماعی به آن نیاز دارد، ما آن را در سیره نورانی ائمه اطهار علیهم‌السلام کاملاً مشاهده می‌کنیم و می‌بینیم، این بعد دوم است.

بعد سوم بعد مبارزاتی ائمه معصومین علیهم‌السلام است که هر کدام از این بزرگواران در دوران حیات پابکت خودشان، از این مسئله، هیچ‌وقت بی‌تفاوت عبور نکردند؛ اینکه چه کسانی بر جامعه اسلامی حاکم هستند، اینکه آیا کسانی که حاکم هستند، براساس معیارهای دینی و شارع مقدس نظام عموم را بر دست گرفتند یا در مسیر ظلم و ستم دارند بر مردم حکمرانی می‌کنند، این هم بعد سوم زندگی نورانی ائمه اطهار علیهم‌السلام است که رهبر انقلاب به آن اشاره کردند و ما در زندگی این بزرگواران فراوان، ـ در زندگی حضرت اباعبدالله علیه‌السلام تقریباً کاملاً آشکار و روشن و در زندگی بقیه معصومین علیهم‌السلام هم به روش‌هایی ـ ما این بعد را به‌خوبی مشاهده می‌کنیم و یکی از برجستگی‌های زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام همین بعد مبارزاتی آن‌ها و بعد ولایی و مبارزه با ستمگران است.

نقل شده است: از مدینه دو نفر به محضر مبارک امام هشتم علیه‌السلام در مرو رسیدند؛ سؤال شرعی می‌پرسند. ما از مدینه به مرو آمدیم، با هم آمدیم و با هم برمی‌گردیم؛ مبدأ، مقصد و طول سفر یکسان است. حکم نماز ما چگونه است؟ آیا نماز را قصر و شکسته بخوانیم یا تمام؟ امام به یکی فرمودند: تو نمازت را قصر و شکسته بخوان و به دیگری فرمودند: تو نمازت را تمام اقامه کن! تعجب کردند که یک مبدأ، یک مقصد؛ طول مدت سفر هم یکسان! چرا دو تا حکم؟! امام از همین مسئله شرعی و حکم الهی، آن بعد مبارزاتی را نشان دادند و فرمودند: به تو که گفتم: نمازت را قصر و شکسته بخوان، چون تو به قصد زیارت ولی‌خدا و حجت خدا آمده‌ای و اسلام سفرت را قبول می‌کند و سفرت امضا شده است و به تو که گفتم، نمازت را کامل بخوان؛ چون تو به قصد دیدن ظالم و حاکم ستمگر آمده‌ای و سفرت سفر معصیت است، سفر معصیت را اسلام امضا نمی‌کند و نمازت را باید کامل بخوانی.

« در شناخت و شناساندن این سه بعد وجودی ائمه علیهم‌السلام باید چه الزاماتی لحاظ شود؟

● چند راهبرد را می‌توانیم این‌جا بیان کنیم؛ راهبرد اول: همان‌طور که ما در مسائل فقهی به دنبال استخراج احکام و استنباط و اجتهاد هستیم و در مسائل فقهی و در حوزه‌ها این امر رایج است، ما باید در مورد سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام هم به دنبال استخراج و استنباط باشیم. مسئله اجتهاد فقط در مسائل فقهی و عبادی نیست که البته آن هم ضرورت دارد؛ اما باید اجتهاد و استنباط صورت بگیرد و بتواند، از دل روایات، احکام را استخراج و به مردم عرضه کند. همین‌طور هم ما باید در حوزه‌های علمیه این ضرورت را به وجود بیاوریم که باید از دل زندگی ائمه اطهار علیهم‌السلام آن‌چه را که نیاز جامعه امروز است، استخراج و استنباط کنیم.

این حوزه استنباط و اجتهاد را فقط در فقه منحصر نکنیم، در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام هم ما باید از درون زندگی اینها و روایات که الحمدلله فراوان هم در اختیار داریم، بتوانیم زندگی و سبک زندگی آن‌ها را استخراج و استنباط کنیم و برای مردم بیان کنیم. راهبرد دوم که در بیانات رهبر انقلاب هم به آن اشاره شد، متقن بودن آن نکاتی است که در مورد معصومین علیهم‌السلام بیان می‌شود. روایات فراوان است و مطالب زیادی بیان شده است؛ ولی آن‌گونه نیست که همه اینها از یک استواری و استحکامی برخوردار باشد. بسیاری از این روایات ممکن است، جعل شده باشد یا بعضی از روایان ممکن است، آن دقت لازم را در بیان روایت و مطلب امام نداشتند؛ همان‌طور که در فقه و بیان و استخراج احکام روایات کاملاً موشکافی می‌شود، جرح و تعدیل می‌شود و رجالش کاملاً مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ هرچه در هر کتابی دیدیم و یا هر روایتی دیدیم، حق نداریم بیان کنیم.

لذا این سنت در حوزه‌ها بوده؛ البته الآن تا حدودی منسوخ شده و همین‌طور که یک طلبه فاضل و یک روحانی تحصیل‌کرده برای اجتهاد و استنباط از مرجع تقلید اجازه می‌گرفت تا به استنباط و اجتهاد بپردازد، در مورد نقل روایات هم اجازه می‌گرفتند و به هرکسی اجازه نقل روایات نمی‌دادند.

الآن برای نقل روایات کتاب باز می‌کند و روایت می‌خواند؛ بله خیلی آسان و راحت است؛ اما در قدیم می‌رفتند از استادشان اجازه نقل حدیث و روایت می‌گرفتند، چرا؟ چون همه احادیث قابل بیان نیست. کسی می‌تواند احادیث را برای مردم بخواند و نقل کند که قدرت استنباط داشته باشد، بتواند حدیث صحیح را از حدیث ناصحیح تشخیص دهد؛ لذا با اجازه نقل حدیث، می‌آمدند حدیث می‌خواندند؛ هرکسی اجازه نداشت، هر حدیثی که در کتاب روایی نوشته شده بود، بخواند خیلی از این مطالب و روایات سند‌هایش درست نیست و مطالبش ممکن است درست نباشد و ما از این موارد فراوان داریم و راهبرد دوم ممکن است، مطالبی محکم و متقنی که در مورد ائمه اطهار علیهم‌السلام است، برای مردم بیان شود؛ نه هر آن‌چه که



در کتاب‌ها نوشته شده، ما فکر کنیم، وحی منزل، محکم و درست است و بر آن تأکید کنیم و راهبرد سومی که رهبر انقلاب بر آن تأکید کردند و بیش از دو راهبرد اولی که عرض کردم بر این تأکید کردند، بیان معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام به بیان روز است و آن به دو معناست؛ یعنی به ادبیات و قالب روز و این یک معناست.

دوم که مهم‌تر است، اینکه معارف را به زبان و بیان روز بتواند نیازهای امروز را پاسخ دهد؛ یعنی محتوای متناسب با شرایط، و نیازها، سؤالات و چالش‌های روز، بله بیان روز نه به این معنا که فقط ما قالب و ادبیات را تغییر بدهیم؛ با ادبیات سنتی گذشته نمی‌شود معارف را بیان کرد؛ این قابل قبول است، ولی مهم‌تر اینکه ادبیات باید با ادبیات امروز مطابق باشد. ما امروز به الغدیر امروزی نیاز داریم نه اینکه همان الغدیر را بیاوریم و آن عبارات‌های سنگین و سنتی را تغییر بدهیم، عبارات‌ها و ادبیات نوین امروزی را جایگزین کنیم؛ نه منظور این نیست: الغدیر آن روز که نوشته شد، پاسخ به نیازهای آن روز و سؤالات آن روز بود و امروز ممکن است، آن سؤالات دیگر مطرح نباشد و سؤالات و شبهات و نیازهای دیگری مطرح باشد؛ پس ما یک الغدیر دیگری متناسب با نیازهای روز نیاز داریم؛ اما در قالب روز؛ یعنی هم محتوا نیاز است به‌روز باشد و هم قالب و بیان باید امروزی باشد و باید از ادبیات سنتی و گذشته رهایی شود. این هم نکته‌ای بود که رهبر انقلاب بر آن بیش از دو راهبرد قبلی تأکید داشتند.

« یکی از نکات مورد توجه رهبر انقلاب در بیانات‌شان در دیدار با اعضای پنجمین کنگره امام رضا علیه‌السلام، معرفی اهل‌بیت علیهم‌السلام به دنیا و جهان غیرشیعی و حتی غیراسلامی است. معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام دارای چه ابعادی است که می‌توان آنها را تبیین نمود؟

● ائمه اطهار علیهم‌السلام هم برای آن دنیای ما پیام دارند و راهنما هستند و رهبری می‌کنند و هم برای این دنیای ما؛ همان‌طور که در زیارت جامعه کبیره داریم: «بمولاکم علمنا الله معالم دیننا» و «أصلح ما کان فسد من دینانا». همین طور که مسائل دین و معرفتی ما را رهبری و هدایت می‌کنند، خیر و صلاح دنیایی ما را هم آن‌ها رهبری می‌کنند و ما را به آن سمت هدایت می‌کنند؛ لذا وقتی که هم مسئله دین و آخرت و هم هدایت دنیای ما به دست ائمه اطهار علیهم‌السلام است؛ اینها نمی‌توانند منحصر به یک بخشی از جامعه باشند؛ این‌ها هادیان همه انسان‌ها و بشریت هستند، اینها راهکارهای اصلاح زندگی بشر را نشان می‌دهند، اینها نجات بشر را از فساد و تباهی عرضه می‌کنند. ببینید یک سنی معتزلی به‌نام

ابن ابی‌الحدید می‌آید بر نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین علیه‌السلام شرح می‌نویسد که شاید یکی از بهترین شرح‌هایی که بر نهج‌البلاغه نوشته شده، یا جرج جرداق مسیحی که در مورد عظمت آن حضرت کتاب می‌نویسد و می‌توان گفت از بهترین کتاب‌هایی است که در مورد شخصیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام نوشته شده است. این همان نگاه ائمه اطهار و معصومین علیهم‌السلام هم در بعد تربیتی و بعد اخروی و آن‌جهانی انسان است و هم در بعد این جهانی و هدایت انسانی‌شان؛ امام حسین علیه‌السلام در عاشورا می‌فرمایند: «إن لم یکن لکم دین؛ فکونوا أحراراً فی دنیاکم»؛ اگر دین ندارید، لااقل در دنیای‌تان آزاده باشید؛ این مخاطب فراوانی دارد. اینکه گاندی می‌گوید: من نهضت بزرگ مبارزه با استعمار انگلیس را از عاشورا و امام حسین علیهم‌السلام الهام گرفتم و همین‌طور نهضت‌های آزادی‌بخشی که در جهان شکل گرفته است، اینها نشان می‌دهد که ائمه اطهار علیهم‌السلام فقط به یک حوزه و ساحت توجه ندارند؛ هر دو بعد دنیا و آخرت را با هم می‌بینید؛ چون اگر دنیا اصلاح شد، آخرت هم اصلاح می‌شود.

«الدنیا مزرعة الآخرة»؛ لذا ما اگر به این ابعاد درست توجه کنیم، ائمه اطهار علیهم‌السلام فراتر از این هستند که رهبر یک قشر، یک بخش، یک جامعه و یک طیف باشند؛ بلکه رهبر همه انسان‌ها و بشریت هستند.

همان‌طور که امام علی‌بن موسی‌الرضا علیه‌السلام فرمودند: «فإن الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا»؛ این ناس یعنی همه مردم نه یک بخشی. نفرموندند: اگر شیعیان ما، اگر پیروان ما، اگر محبین ما، محاسن کلام ما را بشنوند، تبعیت می‌کنند؛ «فإن الناس لو علموا محاسن کلامنا لاتبعونا» و بعد هم حضرت فرمودند: حتما تبعیت می‌کنند؛ چون اینها برای همه بشریت هستند و با فطرت انسان‌ها سروکار دارند، با وجدان انسان‌ها سروکار دارند و در آن‌جا که می‌گویند: اگر دین ندارید، آزاده باشید، آن فطرت و وجدان انسان‌ها را مورد خطاب قرار داد؛ نه دیانت آن‌ها را؛ ولی البته آن‌ها از وجدان و فطرت بی‌بهره بودند و امام حسین علیه‌السلام وجدان آن‌ها را مورد خطاب قرار داد و این شامل همه انسان‌ها و بشریت در طول تاریخ می‌شود.

« کنگره پنجم حضرت رضا علیه‌السلام به موضوع عدالت اختصاص داده شد وشعار آن «عدالت برای همه وظلم به هیچ کس» معرفی شد. دلیل انتخاب این موضوع و این شعار چه بوده‌است؟

● به چند جهت؛ اولاً عدالت یک نیاز فطری و وجدانی برای همه انسان‌هاست و خداوند متعال خودش را با عدل و عدالت معرفی می‌کند. شما در بسیاری از آیات قرآن نگاه بکنید: «الیقوم الناس بالقسط»؛ آیات قرآن که هم خودش را به‌عنوان عادل و مظهر عدل معرفی می‌کند، بندگانش و اولیایش را به عدالت دعوت می‌کند؛ به حضرت داوود علیه‌السلام امر می‌کند که با عدالت حکم کن! عدالت یک نیاز فطری بشر در طول تاریخ بود.

این یک چیزی نیست که بگوییم که انسان امروز به عدالت نیاز دارد؛ در همه ادوار و حتی انسان ما قبل تاریخ هم، به عدالت نیاز داشته است و این، یک نیاز فطری و وجدانی است. امروز عدالت گمشده بشریت است. ما تاریخ را که نگاه می‌کنیم، چه رنج‌هایی که بشریت از رهگذر بی‌عدالتی تحمل نکرده؛ چه کشتارها، چه بردگی گرفتن‌ها، چه به اسارت در آوردن میلیون‌ها انسان در طول تاریخ، چه بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌هایی در حق سیاه‌پوستان شده است و اینها انسان هستند.

بعد از اینکه رنسانس شد، تصور این بود که عدالت در

جامعه تحقق پیدا می‌کند. آن جریان ستمگر و ظالم که بدون رأی و انتخاب و حضور مردم حاکم بودند و هر جنباتی می‌خواستند انجام می‌دادند، انقلاب رنسانس و انقلاب صنعتی این نوید را می‌داد که با پیامدهای این انقلاب و این تحول، عدالت در جامعه اتفاق می‌افتد؛ ولی می‌بینیم که این اتفاق نیفتاد؛ حتی در خود کشورهای اروپایی بی‌عدالتی در حوزه‌های مختلف حاکم است و مردم از بی‌عدالتی در رنج هستند.

امروز نمونه بارز و آشکار و حقیقتاً رنج‌آور بی‌عدالتی را شما در غره دارید می‌بینید؛ همین کشورهایی که با انقلاب صنعتی، شعار عدالت و برابری و آزادی و وجدان انسانی را سر می‌دادند؛ امروز در برابر این کشتار، این نسل‌کشی و جنایات سکوت کرده، حتی حمایت هم می‌کنند. سکوتش هم به‌نوعی معنای حمایت و بیشتر روحیه دادن و جرأت دادن به صهیونیست‌هاست تا آن‌جایی که حتی «یورکن هارپاس» فیلسوف آلمانی که بسیار امروز مطرح هم هست، نمره بسیار بدی در این حوزه گرفت؛ حتی جریان فلسفه غرب، نه فقط سیاست‌مداران؛ حالا سیاست‌مداران به دنبال منافع سیاسی و منافع مادی هستند؛ فیلسوفان اخلاقی و اخلاق‌گرا هم در این قضیه نمره بدی آوردند و رفوزه شدند و نتوانستند، واقعاً با وجدان بشری همراه باشند.

«هارپاس» این فیلسوف بزرگ آلمانی با صهیونیست‌ها در این جنایت‌ها همراهی کرد. از آن طرف آلمان نازیسم را محکوم می‌کنند، از آن طرف بدتر از آلمان نازیسم را حمایت و پشتیبانی می‌کنند؛ این دوگانگی را انسان نمی‌تواند چگونگی تحمل کند؛ نه سیاست‌مداران، فیلسوفان هم در این حوزه با سیاست‌مداران همراهی کردند. این نشان‌دهنده به افول رفتن فرهنگ لیبرالیسم غربی و فلسفه غربی است که نتوانست، با وجدان‌های بشریت همراهی کند؛ پس امروز گمشده و نیاز اصلی انسان امروزی عدالت است. این نه فقط در حوزه فراملی که در ساحت ملی و هم از بی‌عدالتی رنج می‌بریم.

در کشور خودمان، در حوزه‌های مختلفی ما رشد کردیم، در حوزه‌های علمی و صنعتی، در بخش‌هایی حقیقتاً رشد خوبی داشته‌ایم و قابل تحسین و افتخار است؛ اما در یک بخش‌هایی در حوزه عدالت ما عقب‌ماندگی‌های جدی داریم که رهبر انقلاب چند دهه قبل، یک دهه را به‌عنوان دهه عدالت نام‌گذاری کردند. نگاهمان فقط نگاه به آن طرف مرز و فراملی نیست؛ بلکه در داخل هم، مسئله بی‌عدالتی را در ساحت‌های اجتماعی و آموزشی و اقتصادی و سیاسی و فرصت‌های برابر برای همگان از این قضیه رنج می‌بریم.

« عدالت در اندیشه رضوی چه مفهوم و جایگاهی دارد؟

● بر اساس همان سه بعدی که رهبر انقلاب بیان کردند؛ یعنی بعد الهی و عرشی، بعد تربیتی و سبک زندگی و بعد مبارزاتی و حکمرانی ما عدالت را در بیان امام رضا علیه‌السلام در همه این ابعاد مشاهده می‌کنیم؛ یک بعد از احادیث امام رضا علیه‌السلام همان توجه به بعد قدسی و ملکوتی امام و عدالت در آن حوزه هست که خود امام بیان می‌فرمایند. امام علیه‌السلام در تفسیر این آیه شریفه «إنی جاعلک للناس إماماً قال ومن ذریئتی»؛ آیا این مقام امامت و ولایت به ذریه من هم می‌رسد که خداوند هم فرمود: «لا ینال عهدی الظالمین»؛ نه این مقام عدالت و ولایت به ظالمین نمی‌رسد، می‌فرمایند: «إن الإمامة خصی الله عزوجل بها إبراہیم الخلیل علیه‌السلام بعد النبوة والخلعة، مرتبةً ثالثةً»

حضرت ابراهیم بعد از مرتبه نبوت و بعد از مرتبه خلت، مرتبه سوم و مقام سومی را از خداوند دریافت کرد و وقتی از

خداوند سؤال کرد که این مقام به ذریه من می‌رسد، خداوند پاسخ داد: «لا ینال عهدی الظالمین» و امام علیه‌السلام می‌فرمایند: «فایطلت هذه الایة امامة کل ظالم الی یوم القیامة»؛ این آیه شریفه زعامت و امامت هر ظالم و ستمگری را تا روز قیامت نفی کرد. پس امام که یک مقام عرشی و ملکوتی و امامت یک مقام الهی است که خداوند باید عنایت کند، شرطش عدالت است؛ پس بعد از امامت در کلام امام در آن بعد مقام قدسی و ملکوتی امام، وجه دیگر عدالت مربوط به بعد زندگی و اخلاقی امام علیه‌السلام است و امام علیه‌السلام در رابطه بین انسان‌ها سخن بسیار بلندی دارند و بر اصل عدالت تأکید می‌کنند.

امام می‌فرمایند: «من آمن الناس فلن یضربهم وحدتهم فلن یکذبهم»؛ کسی که حاکم است کسی که روابط بین انسان‌ها را تنظیم می‌کند و به‌عنوان حاکم بر مردم مسلط است، نباید به مردم ظلم کند و سخنی که می‌گوید، به آن سخن عمل کند، سخن کذب نگوید، سخن دروغ نگوید و وعده دروغ ندهد؛ اینها همه عدالت است «ووعدهم فلن یخلفهم»؛ وقتی هم وعده داد، به وعده‌اش عمل کند. ببینید سه خصوصیت را امام مطرح کردند: یک ظلم به مردم نکند، دوم دروغ نگوید و وعده دروغ به مردم ندهد، سوم آن‌چه را وعده می‌دهد، به وعده‌اش عمل کند. «فهو ممن کملت مروته وظهرت عدالته»؛ این انسان عادل است، مروتش کامل شده و عدالتش آشکار شده و آنجا آن بعد و شخصیت ملکوتی امام که عدالتش است، آشکار شده: «لا ینال عهدی الظالمین». اینجا حاکم به عدالت و سوم رفتار عدالت‌گونه در رفتار اجتماعی بین انسان‌ها و در روابط فردی باید عمل کند. امام می‌فرماید: «إنما یراد من الایام قسطه وعدله، اذا قال صدق وإذا حکم عدل وإذا وعد أنجز».

این هم برای امام و هم برای مردم است و این فقط برای امام نیست که این‌گونه باشد. مردم هم باید از امام‌شان تبعیت کنند؛ باید پشت امام حرکت کنند و این در مورد مردم نیز جاری است و همین‌طور که امام قسط و عدل و منظور از قسط و عدل اینکه چیزی را که می‌گوید، صادق باشد و وقتی حکم و قضاوت می‌کنند، به عدل رفتار نمایند. یک وقت داوری حاکم با مردم است، یک وقت حاکم وعده می‌دهد «وإذا حکم عدل» و سوم «إذا وعد أنجز» و یک وقت مردم به یکدیگر وعده می‌دهند و وقتی وعده می‌دهند، چه حاکم و چه مردم به وعده‌شان عمل کنند و وعده را محقق کنند این سه بعد از هدایت در حوزه‌های گوناگون است.

« برگزاری کنگره جهانی امام رضا علیه‌السلام و برنامه‌های مشابه آن چقدر می‌تواند، ما را به اندیشه‌های رضوی نزدیک سازد و چه نقشی در گفتمان‌سازی رضوی دارد؟

● یک وقت کنگره‌ای برگزار می‌کنیم که یک کاری صورت داده باشیم، یک کنشگری اجتماعی داشته باشیم، یک کنشگری فرهنگی داشته باشیم، این مد نظر نیست و امر مطلوبی نیست؛ بلکه هدف ما همان‌طور که رهبر انقلاب هم اشاره کردند، ما باید به خروجی و نتیجه این کنگره‌ها توجه داشته باشیم و هدف ما گردآوری اندیشمندان، وجود دادن اهل قلم و اندیشه و صاحبان قلم و فکر به مسئله عدالت در زندگی امام رضا علیه‌السلام است؛ هدف ما در کنگره این است که بتوانیم، صاحبان فکر و قلم و اندیشه را به این نیاز کاملاً وجدانی و فطری بشری که عدالت است، توجه بدهیم. ما باید در سیره ائمه و سیره امام رضا علیه‌السلام در همه ساحت‌ها و ابعاد، توجه به اهمیت عدالت را کاملاً ملاحظه می‌کنیم. هدف کنگره این است که فرصتی به وجود آید تا بتوانیم، از دل سخنان امام و سیره امام و دیگر ائمه و همه معصومین علیهم‌السلام این گنجینه‌های نیاز بشری را استخراج کنیم و به دنیای تشنه عدالت و آزادی و حقانیت عرضه کنیم و ان‌شاء‌الله با عنایت خود حضرت امام رضا علیه‌السلام و همکاری بسیار خوب و مسئولانه صاحبان قلم و اندیشه، بتوانیم به این هدف مقدس و متعالی که نیاز همه بشریت است، دست پیدا کنیم.